



## **A qualitative study of the role of counselors in the readjustment of children of divorce**


Zohreh Moradi<sup>1</sup>

 0000-0003-1361-1946

Ali Zahdi Ronagh<sup>2</sup>

 0009-0003-3048-2290

Leila Khademi Adel (Ph.D.)<sup>3</sup>

 0009-0004-8473-7268

### **Abstract**

Divorce is a social damage that involves the family institution with important personal and social consequences. Children, as the youngest members of the family, are not safe from this harm and face many psychological and social harms throughout their lives. The present study was conducted with the aim of analyzing the lived experience of counselors regarding the necessity of counseling with children of divorce. This qualitative research was done using descriptive phenomenology method. The sample of the research is among divorce counselors active in counseling and psychology centers of Hamedan province in 1403 with work experience of 5 years and more, with a master's degree and above, who were in the age range of 27-45 years; Based on the logic of targeted sampling, they were selected by available method. Research data was obtained through semi-structured interviews with 10 divorce counselors, five of whom were women and five were men. The analysis of the findings through the seven-step Claesian method led to the identification of eighteen sub-themes and four main themes. The main themes include "awareness and acceptance of parental divorce", "attention to children and adolescents", "prevention of neurotic disorders" and "adjustment after divorce and preparing for the future". The results of this research can provide awareness and insight for parents who are concerned about the necessity of benefiting from counseling services for their children after divorce and can be a way forward.

**Keywords:** lived experience, necessity, divorce, children, children of divorce, counseling.

---

1- Master of Family Counseling, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (corresponding author) [teacherzohre1375@gmail.com](mailto:teacherzohre1375@gmail.com)

Bachelor of Education, Farhangian University, Hamedan, Iran. [alizohdi1373@gmail.com](mailto:alizohdi1373@gmail.com)

3- PhD in Educational Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research, Tehran, Iran. [leila.khademi@srbiau.ac.ir](mailto:leila.khademi@srbiau.ac.ir)



## مطالعه کیفی نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق

زهرة مرادی<sup>۱</sup>علی زهدی رونق<sup>۲</sup>لیلا خادمی عادل<sup>۳</sup>

## چکیده

طلاق یک آسیب اجتماعی است که نهاد خانواده را درگیر پیامدهای فردی و اجتماعی مهمی می‌کند. فرزندان نیز به‌عنوان کوچک‌ترین اعضای خانواده، از این آسیب در امان نبوده و در طول زندگی خود با آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی روبه‌رو می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف مطالعه کیفی نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق انجام شد. این پژوهش با روش کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی کلایزی انجام شد. نمونه پژوهش از بین مشاوران طلاق فعال در مراکز مشاوره و روان‌شناسی استان همدان در سال ۱۴۰۳ با تجربه کاری ۵ سال و بیشتر، با مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر که در بازه سنی ۲۷-۳۵ سال قرار داشتند؛ بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ نفر از مشاوران طلاق که پنج نفر از آنان زن و پنج نفر مرد بودند به دست آمد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها از طریق روش هفت مرحله‌ای کلایزی منجر به شناسایی هجده مضمون فرعی و چهار مضمون اصلی گردید. مضامین اصلی شامل «آگاهی و پذیرش طلاق والدین»، «پرورش خودمدیریتی آگاهانه در فرزندان»، «بسترسازی حمایتگری والدین در جهت تنظیم روابط با فرزندان» و «جهت‌دهی ساختار مشاوران مبتنی بر نیازهای رشدی و امنیتی فرزندان» است. نتایج این پژوهش می‌تواند برای والدین دغدغه‌مند نسبت به ضرورت بهره‌مندی از خدمات مشاوره برای فرزندان پس از طلاق خود، آگاهی و بینش برساند و راهگشا باشد.

## واژگان کلیدی پدیدارشناسی، پدیده طلاق، سازگاری مجدد فرزندان، مشاوران طلاق.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

teacherzohre1375@gmail.com

۲. کارشناسی، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران.

alizohdi1373@gmail.com

۳. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

leila.khademi@srbiau.ac.ir

## بیان مسئله

خانواده به عنوان اولین محیط اجتماعی که هر فرد با آن در ارتباط است، نقشی بسیار حیاتی در شکل‌گیری شخصیت و تربیت صحیح فرزندان دارد (سلاق و خدامیان آرانی، ۱۴۰۲). نهاد خانواده همچون سایر نهادهای اجتماعی، همواره در معرض آسیب‌های ویرانگری قرار دارد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی در جامعه امروزی، فروپاشی خانواده و طلاق است. طلاق معضلی اجتماعی است که پیامدهای فردی و اجتماعی مهمی دربردارد (امانی، کیانوش و کیامنش، ۱۳۹۸)؛ زیرا طلاق والدین یکی از عواملی است که می‌تواند به کانون خانواده آسیب بزند (Parker et al., 2022). مطالعات حاکی از آن است که روند طلاق در سرتاسر جهان رشد بی‌سابقه‌ای داشته است (ناموران گرمی و دیگران، ۱۳۹۶). کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و روند افزایش طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته و هرساله آمار نگران‌کننده‌ای از میزان طلاق در کشور منتشر می‌شود. فرزندان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیری هستند که تحت تاثیر طلاق قرار می‌گیرند (امانی و همکاران، ۱۳۹۸). طلاق به‌عنوان یک مسئله اجتماعی پیامدهای اجتماعی، عاطفی و اقتصادی زیادی برای فرزندان به همراه دارد (حامد و نکائی، ۱۳۹۹). از مهم‌ترین پیامدهای افزایش طلاق، آسیب‌های زیستی، روانی و اجتماعی بر کودکانی است که پیکره جامعه آینده را خواهند ساخت (کاویان، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵). طلاق والدین یکی از پراسترس‌ترین اتفاقات در زندگی کودکان به‌شمار می‌رود (ایمانی، خان‌زاده و ناکری، ۱۴۰۱). کودکان طلاق به‌خاطر سن پایین‌تر و مهارت‌های ناکارآمد، بیشترین آسیب را در طلاق والدین متحمل می‌شوند (Fagan & Churchill, 2012)؛ بنابراین از آنجایی‌که طلاق با یک سوگ و فقدان مبهم همراه است (Amaros et al., 2017) به نقل از صالح‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۲؛ فرزندان طلاق ممکن است درد روانی نامشخصی را تا پایان عمر خود تجربه کنند (Sumari et al., 2020)؛ چراکه اثرهای کارکرد خانواده بر رفتارها، باورها و احساس‌های اعضای خود باثبات است (Amaton & Kate, 2011) به نقل از خدادادی و کلائی، ۱۳۹۹. نمی‌توان روابط بین طلاق و آسیب‌های روانی کودکان و نوجوانان را نادید گرفت. این کودکان ناامنی در تعاملات اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات ساختاری خانواده، مشکلات تحولی و رشدی، نشانگان افسردگی،

الگوهای ناکارآمد سازگاری و مشکلات تحصیلی را تجربه می‌کنند (امانی و همکاران، ۱۳۹۸). با جدایی والدین سلامت روانی فرزندان به مخاطره می‌افتد، کیفیت زندگی تغییر کرده و خانواده دچار نابسامانی می‌شود (ایمانی، خان‌زاده و ناکری، ۱۴۰۱). در پدیده طلاق، سازگاری فرزندان در تمام ابعاد روان‌شناختی، جسمانی، معنوی و اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و این امر موجب کاهش عملکرد و نارضایتی از زندگی خواهد شد (بلالی، اعتمادی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۰). احساس خجالت از تجربه طلاق والدین، مشکل در تمرکز، ازدست‌دادن احترام نسبت به والدین و سرزنش آن‌ها از دیگر تأثیرات ناشی از طلاق والدین است (Vibisono & Napitopoulo, 2022). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وضعیت فرزندان طلاق در مقایسه با فرزندان یتیم و عادی نامطلوب‌تر است (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴). حامد و ذکائی (۱۳۹۹)، در بررسی تجربه زیسته فرزندان طلاق به تجربه مشترک فرزندان طلاق در مقوله‌ای با عنوان معلق‌بودگی رانشی اشاره کرده‌اند که ماحصل نابسامانی در فضای اجتماعی، خانواده بازسازی‌شده و سایر فضاهای زندگی فرد است. ناامنی در تعاملات اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات ساختاری خانواده، مشکلات تحولی و رشدی، نشانگان افسردگی، الگوهای ناکارآمد سازگاری و مشکلات تحصیلی از جمله پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان است (امانی، زهراکار و کیامنش، ۱۳۹۸).

پژوهش‌های داخلی که اغلب به بررسی وضعیت سلامت روانی فرزندان طلاق پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که این کودکان اغلب از سطح سلامت روانی پایین‌تر و مشکلات عاطفی، رفتاری و جسمانی بیشتری نسبت به فرزندان خانواده‌های عادی، برخوردارند (حامد و نکائی، ۱۳۹۹). پژوهش‌های کیفی که در خارج از ایران انجام شده است، نشان می‌دهد این کودکان اغلب احساس گناه می‌کنند و گرفتار این باور نادرستند که به‌نوعی عامل طلاق والدینشان بوده‌اند و یا اغلب آنها احساس تنهایی و متفاوت بودن از کودکان دیگر می‌کنند (Neuman & Romanowsk, 2006). آسیب‌های فرزندان خانواده‌های طلاق در حوزه‌های عملکردی فردی (تحصیلی، شناختی، عاطفی، هیجانی و غیره)، میان‌فردی و خانوادگی نمود یافته، در صورت عدم رسیدگی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد (کاوپان، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵). نتایج به‌دست آمده از واکاوی مشکلات روانی-تربیتی فرزندان

طلاق رسمی حاکی از آن بود که مشارکت‌کنندگان مشکلاتی از قبیل پرخاشگری، احساس تنهایی، استرس و اضطراب، حسادت، وسواس، آشفتگی فکری، تجربه تروما روانی، ناکامی، خودکشی، احساس گناه، افسردگی، بی‌توجهی، ضعف درسی، افت تحصیلی، نابهنجاری‌های رفتاری، محیط نامناسب، و دغدغه مالی را تجربه کرده‌اند (شیخه، ۱۴۰۰). هایمی و لرنر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، در بررسی تأثیرات طلاق بر فرزندان؛ اضطراب و تنش، نگرانی، بی‌اعتمادی، مشکلات جسمانی، کابوس شبانه و مشکلات تغذیه و خواب اشاره کرده‌اند. با توجه به عوارض و پیامدهای طلاق برای کودکان، لزوم سازگاری همه‌جانبه با فرایند طلاق و به حداقل برساندن رفتارهای آشفته در این کودکان، ضرورتی انکارناپذیر است. عدم سازگاری کودکان با طلاق والدینشان می‌تواند اثرهای زیان‌بار و مخربی روی کارکرد روان‌شناختی و حتی وضعیت جسمانی آن‌ها داشته باشد (عبی و دیگران، ۱۳۹۲). سازگاری با طلاق والدین برای کاهش آسیب به فرد و جامعه و رشد شخصی و اجتماعی فرزندان از اهمیت زیادی برخوردار است (صالح‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۲).

لاوتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، سازگاری را توانایی مدیریت واکنش‌های خود در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایط استرس‌زا و تنش‌زا می‌داند (به نقل از صالح‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۱). به بیان دیگر، سازگاری مجموعه‌ای از واکنش‌ها و رفتارهایی است که فرد در پاسخ به موقعیت جدید از خود نشان می‌دهد تا مسئله را به نفع خود حل کند (امانی و دیگران، ۱۳۹۱).

محیط خانواده قبل و بعد از طلاق والدین به‌عنوان عامل مهمی در سازگاری فرزندان در نظر گرفته شده است (صالح‌بیگی، حاتمی و رزقه و فرح‌بخش، ۱۴۰۲). از آنجاکه تأثیرات ناشی از طلاق موجب بسیاری از اختلالات رفتاری، جسمی و روانی را در فرزندان طلاق است و در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها تأثیرات نامطلوبی گذاشته است (زمانی زارچی و دیگران، ۱۳۹۷). توجه به عوامل اثرگذار در سازگاری با طلاق والدین از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این زمینه یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به تأثیر مثبت برنامه‌های مداخله‌ای، بر وضعیت فرزندان طلاق است اشاره کرده‌اند. مشاوره با فرزندان طلاق یکی

---

1. Haimi & Lerner

2. Lawton

از نیازهای اساسی برای حمایت از آن‌ها در مواجهه با تغییرات و چالش‌های ناشی از جدایی والدین است. مداخلات روان‌شناختی بالاخص رویکردهای چندگانه با اثربخشی بالاتری می‌تواند از تأثیرات عمیق و ماندگار این آسیب‌ها پیشگیری نمایند (کاوین، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵). مشاوره به فرزندان کمک می‌کند تا مهارت‌های مقابله‌ای سالمی را یاد بگیرند. این مهارت‌ها می‌توانند شامل راهکارهای حل مسئله و تقویت ارتباطات مؤثر باشند. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که فرزندان طلاق که در برنامه‌های مشاوره شرکت می‌کنند، توانایی بیشتری در مقابله با استرس‌های زندگی دارند (Lansford et al., 2006). مشاوره می‌تواند به بهبود روابط بین فرزندان و والدین کمک کند. این موضوع به‌ویژه در مواقعی که والدین درگیر تنش‌ها و اختلافات هستند، بسیار حائز اهمیت است. مطالعات نشان داده‌اند که مشاوره می‌تواند به تقویت ارتباطات و کاهش تنش‌های خانوادگی کمک کند (Hetherington, 2003).

در پژوهشی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی و مصاحبه با ۱۵ بزرگسال، به بررسی تجربه افراد از سازگاری با طلاق والدین در نوجوانی و کودکی پرداختند که یافته‌های این پژوهش نشان داد که برقراری ارتباط مؤثر یکی از ارزشمندترین راهبردهای مقابله‌ای است (صالح‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۲). نتایج پژوهش عبدی، پورابراهیم و نظری (۱۳۹۲)، تأثیر برنامه CODIP در افزایش ابراز احساسات کودکان و نگرش مثبت آن‌ها نسبت به طلاق والدینشان، کاهش احساسات منفی کودکان نسبت به طلاق والدینشان، بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالانشان، و نیز افزایش کاربرد مهارت‌های حل مسئله در آن‌ها را نشان داده است. با توجه به موارد فوق، مشاوره با فرزندان طلاق یک اقدام ضروری برای حمایت از سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها به شمار می‌آید که نقش به‌سزایی در انطباق‌پذیری مجدد آنان پس از طلاق والدین ایفا می‌کند. یکی از عوامل درگیر در این حوزه، مشاوران طلاق هستند که به ارائه خدمات مشاوره‌ای به فرزندان طلاق می‌پردازند. از این‌رو، این افراد منابع اطلاعاتی باارزشی در خصوص نقش ارائه خدمات مشاوره‌ای پس از طلاق والدین به فرزندان جهت سازگاری هرچه بهتر کودکان با طلاق و جدایی والدینشان، به‌شمار می‌روند. بر همین اساس و با

توجه به اینکه در پژوهش‌های داخلی هیچ پژوهشی به این موضوع نپرداخته است، مطالعه نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق، به صورت اختصاصی ضرورت می‌یابد. نتایج این پژوهش می‌تواند بخشی از خلأ مطالعاتی موجود در حوزه مشاوره فرزندان طلاق را پر کند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال خواهد بود که برحسب تجربه زیسته مشاوران طلاق، نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق چگونه است؟

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر را می‌توان از لحاظ ماهیت، توصیفی و از نظر رویکرد و ماهیت داده‌ها، کیفی و از جهت هدف، کاربردی است. پژوهش حاضر را از نظر طرح پژوهش می‌توان از نوع پدیدارشناسی به‌شمار آورد. جمعیت پژوهش شامل مشاوران بود که در سال ۱۴۰۳ در شاغل در مراکز روان‌شناختی استان همدان مشغول به کار بودند. در این پژوهش برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. ملاک‌های مورد توجه جهت گزینش و ورود مشارکت‌کنندگان در نمونه پژوهش شامل: داشتن پروانه نظام روان‌شناسی، سابقه فعالیت در مراکز روان‌شناختی حداقل به مدت ۵ سال، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر و بازه سنی ۲۷ تا ۴۵ بود. حجم نمونه بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر اشباع نظری تعیین شد. براین اساس هرگاه در ادامه پژوهش و انجام مصاحبه این نتیجه حاصل شد که هیچ پاسخ جدیدی دریافت نمی‌شود و مشارکت‌کنندگان بعدی همان پاسخی را می‌دهند که مشارکت‌کنندگان قبلی داده‌اند، اصطلاحاً به اشباع نظری رسیده‌ایم و در این‌جا انجام مصاحبه و گردآوری اطلاعات متوقف می‌شود؛ در طی این پژوهش، پس از انجام مصاحبه با ۱۰ نفر، اشباع نظری حاصل شد و پس از آن فرایند مصاحبه متوقف شد. مشارکت‌کنندگان طبق اطلاعات جمعیت‌شناختی جدول (۱) انتخاب و مصاحبه‌ها انجام شد. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود، چهارچوب کلی سؤالات از قبل در راستای اهداف پژوهش مشخص شده بود. باوجوداین، سؤالات انعطاف‌پذیر طراحی شده بود و بنا به صلاحدید، در حین مصاحبه به ضرورت سؤالات را تغییر داده و یا ترتیب آن‌ها به شکلی مناسب‌تر

جابه‌جا می‌شد. در شروع انجام مصاحبه‌ها، پس از بیان محرمانه بودن اطلاعات و استفاده از این اطلاعات صرفاً در حوزه پژوهش مربوطه، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان گرفته شد. در واقع با این سؤال کلی و بدون جهت از آن‌ها خواستیم تا آنچه را که به‌صورت خودجوش در آن‌ها ایجاد می‌شود را بیان کنند. در ادامه با توجه به پاسخ‌های داده شده و در نظر داشتن هدف پژوهش، با چندین سؤال فرعی، دیگر جوانب نگرش مشارکت‌کنندگان نسبت به مشاوره بررسی گردید.

سؤالاتی مانند: نقش مشاوره با فرزندان پس از طلاق والدین در انطباق‌پذیری مجدد چگونه است؟ مشاوره پس از طلاق چه نتایجی برای فرزندان دارد؟ عدم مشاوره با فرزندان طلاق چه عواقبی در پی دارد؟ در طی مصاحبه هر زمان که لازم بود از سؤالات کاوش‌گرانه مانند «می‌توانید در این‌باره توضیح بیشتری دهید؟ یا ممکن است پاسخ خودتان را به‌طور ساده‌تر با وضوح بیشتری بفرمایید؟» جهت دستیابی به اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده قبلی و بدون حضور فرد دیگری انجام شد. هر مصاحبه به‌طور میانگین در ۴۵ دقیقه انجام می‌شد. داده‌ها در طول یک دوره چهار ماهه (از فروردین تا تیرماه) جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد. پیش از انجام مصاحبه در رابطه ملاحظات اخلاقی پژوهش، در مورد هدف پژوهش و رعایت اصل رازداری اطلاعاتی به‌صورت کلی به شرکت‌کنندگان پژوهش داده شد و شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش از آگاهی نسبی برخوردار شدند و با رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش را قبول نمودند. علاوه بر کسب رضایت آن‌ها جهت ضبط صدا، به مشارکت‌کنندگان حق انصراف از مشارکت و محرمانه بودن همه مشخصات آنان در کل فرایند پژوهش داده شد. طبق ملاحظات اخلاقی پژوهش و در جهت حفظ مشخصات مشارکت‌کننده‌ها، در یادداشت مطالب مصاحبه، از عبارات شرکت‌کننده شماره یک و دو و ... استفاده شد. پس از ضبط مصاحبه‌ها و کسب اطمینان از اشباع مطالب آن‌ها، برای انجام مراحل بعدی کار، تمام گفته‌های مشارکت‌کنندگان با رعایت امانت بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از روش توصیفی کلایزی تحلیل شدند.

### یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه از ۱۰ مشارکت‌کننده تشکیل شد که در یکی از مراکز روان‌شناختی و مشاوره مشغول به فعالیت بودند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان از ۲۷ تا ۴۵ سال بود. سایر اطلاعات جمعیت‌شناختی در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان (n: ۱۰)

متغیر	ابعاد متغیر	تعداد
جنسیت	زن	۵
	مرد	۵
تحصیلات	کارشناسی	۴
	کارشناسی‌ارشد	۴
	دکتری	۲
وضعیت تأهل	مجرد	۰
	متأهل	۱۰
سابقه کاری	۱-۶	۲
	۷-۱۲	۳
	۱۳-۱۸	۲
	بالاتر از ۱۸	۳
سن	۲۷-۳۲	۲
	۳۳-۳۸	۴
	۳۹-۴۵	۳
	بالاتر از ۴۵	۱

همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص است ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای تنوع کافی است که این امر باعث دسترسی به غنای اطلاعاتی کافی می‌شود. پس از دستیابی به اشباع نظری در داده‌های حاصل از مصاحبه، اطلاعات موجود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که حاصل این فرایند شناسایی صدوپنجاه گزاره اولیه یا کدگذاری باز، هجده فرعی و چهار مضمون اصلی و یک مضمون هسته‌ای بود که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده در مطالعه کیفی نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
	تسهیل‌گری آگاهی و پذیرش جدایی والدین در فرزندان	پذیرش جداشدن والدین
		آگاهی از جدایی قطعی و همیشگی والدین
		واقع‌بینی در علت طلاق
		عمومی‌کردن مسئله طلاق
نقش مشاوران در سه بستر (حمایت‌گری والدین، جهت‌دهی ساختار مشاوره‌ای و تسهیل‌گری پذیرش و خودمدیریتی فرزندان)، زمینه‌ساز انطباق‌پذیری فرزندان با جدایی والدین	پرورش خودمدیریتی آگاهانه در فرزندان	مدیریت عدم آمیختگی هیجانی
		مدیریت افکار آسیب‌زا
		خود دلگرم‌سازی و تلقین خودتوانمندی
		تقویت عزت‌نفس و خودپنداره مثبت
بسترسازی حمایت‌گری والدین در جهت تنظیم روابط با فرزندان		حفظ و تقویت حس امنیت و تعلق فرزندان
		کمک به ایجاد محیطی امن و حمایتی برای فرزندان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
	جهت‌دهی ساختار مشاوران مبتنی بر نیازهای رشدی و امنیتی فرزندان	عدم آسیب به نقش‌های پدر - مادری
		عدم نقش واسطه‌گری فرزندان پس از طلاق
		پیشگیری از ایجاد بدبینی از پدر - مادر
		جلسات مشاوره در حین طلاق برای فرزندان
		مشاوره فردی با تک‌تک فرزندان
		جلسات مشاوره به صورت جمعی با حضور تمام فرزندان
		توجه به دوره رشدی هر یک از فرزندان

#### ۱- تسهیل‌گری آگاهی و پذیرش جدایی والدین در فرزندان

**الف) پذیرش جداسدن والدین:** فرزندان طلاق ابتدا با جدایی پدر مادر مخالفت کرده و اگر موفق نشوند، سعی بر انکار آن می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۲ در این زمینه بیان داشت: «یکی از نیازهای این بچه‌ها این هست که از تصمیم پدر و مادرشان مطلع شوند و بتوانند قبول کنند پدر و مادرشان نمی‌توانند کنار هم ادامه دهند».

**ب) آگاهی از جدایی قطعی و همیشگی والدین:** گاهی فرزندان فکر می‌کنند یا بزرگ‌ترها به آن‌ها چنین القا می‌کنند که این جدایی برای یک دوره زمانی کوتاه است و مجدداً قرار است والدینشان کنار هم زندگی کنند. از این رو با عدم تحقق این وضعیت، فرزندان دچار عدم اطمینان و احساس ترس و بی‌امنیتی می‌کنند. مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد: «از

جمله کارهایی که من انجام می‌دهم و به‌زعم من نیاز فرزندان است، این است که بدانند گرچه پدر و مادرشان تا ابد پدر و مادر آنان است؛ اما این جدایی برای همیشه است و مانند مسافرت یا یک دوره آموزشی نیست که والدین مجدد به خانه برگردند.

**پ) واقع‌بینی در علت طلاق:** همان‌طور که هر قرارداد و رابطه‌ای مثل رابطه دوستی، رابطه کاری و... ممکن است دچار آسیب شود، رابطه زوجی هم مستثنی از این امر نیست و ممکن است روزی مشکلاتی در آن ایجاد شود که ادامه رابطه کنار هم مقدور نباشد. مشارکت‌کننده شماره ۸ در این رابطه گفت: «من در مشاوره با فرزندان به آنها می‌گویم آیا شنیده‌ای درختان سرطان بگیرند؟ انسان‌ها چطور؟ آنها را شنیده‌ای؟ همه انسان‌ها ممکن است سرطان بگیرند. رابطه پدر و مادرها هم همین‌طور است و ممکن است بیماری بگیرد و آسیب بخورد».

**ت) عمومی‌کردن مسئله طلاق:** در هنگام مشکلات گاه ما دچار شخصی‌سازی آن مسئله می‌شویم و تصور می‌کنیم که آن مسئله فقط برای ما رخ داده و از این‌رو احساساتی چون یأس، افسردگی و غم می‌کنیم. مشارکت‌کننده ۹ اشاره کرد: «خیلی شنیده‌ام که فرزندان طلاق در اتاق مشاوره به من می‌گویند چرا ما؟ چرا پدر و مادر ما طلاق بگیرند؟ برای اینکه احساس نکنند این مسئله فقط برای آنهاست از خود آنها استفاده می‌کنم تا فکر کنند و بگویند در دوستان، فامیل، هنرمندان و... چند نفر را می‌شناسند که پدر و مادرشان از هم جدا شده است؟ به این ترتیب یک احساس عمومی نسبت به طلاق والدین پیدا می‌کنند».

## ۲- پرورش خودمدیریتی آگاهانه در فرزندان

**الف) مدیریت عدم آمیختگی هیجانی:** کودکانی که از خانواده‌های آشفته و یا طلاق‌گرفته می‌آیند، دارای میزان بالاتری از مشکلات رفتاری و عاطفی هستند (کجباف و دیگران، ۱۳۹۰). یکی از اساسی‌ترین راهکارها، کمک به آنها در سازگاری با تغییرات ناشی از طلاق و عدم درهم‌آمیختگی با هیجانات والدین است. فرزندان که والدینشان طلاق گرفته‌اند، ممکن است با چالش‌هایی در زمینه روابط اجتماعی، مدیریت احساسات و حل مشکلات مواجه شوند. این مهارت‌ها نه تنها به آنها در مواجهه با شرایط پیچیده‌ای؛ مانند

طلاق کمک می‌کنند بلکه در بهبود کیفیت روابط و سلامت روانی‌شان نیز مؤثر هستند. مشارکت‌کننده شماره ۵ اشاره کرد: «بعد از طلاق والدین بچه‌ها مجموعه‌ای مشکلات رفتاری مثل بزهکاری، رفتارهای پرخاشگرانه و اختلالات مختلف از خودشان بروز می‌دهند که ناشی از بحران طلاق والدین است. آموزش مهارت‌های کنترل هیجانات خود و اینکه تحت‌تأثیر هیجانات طلاق والدین قرار نگیرند به فرزندان طلاق می‌تواند به آنها کمک کند تا بهتر با تغییرات و چالش‌های زندگی پس از طلاق کنار بیایند».

(ب) **مدیریت افکار آسیب‌زا:** طلاق والدین موجب افزایش پریشانی روانی، افسردگی و مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان است و آن را به یک چالش مبرمی برای بهداشت عمومی در جامعه تبدیل کرده است (Tullius et al., 2022). فرزندان که در دوران طلاق والدین خود قرار دارند، ممکن است احساسات مختلفی همچون غم، اضطراب، و استرس را تجربه کنند. این برنامه‌ها به آنها کمک می‌کنند تا نه تنها با این احساسات مقابله کنند بلکه توانایی‌های خود را برای مواجهه با چالش‌ها و سختی‌های زندگی تقویت کنند. مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان کرد: «برنامه‌های تربیتی برای کاهش و واپالایش افکار منفی و آسیب‌زا مانند آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، تقویت روابط حمایتی، و ایجاد فضایی امن و حمایتی در کاهش مشکلات فرزندان طلاق کمک‌کننده است».

(پ) **خوددلگرم‌سازی و تلقین خودتوانمندی:** کودکان و نوجوانانی که والدینشان از یکدیگر جدا می‌شوند، ممکن است با احساسات مختلفی مانند اضطراب، خشم، افسردگی و بی‌اعتمادی روبه‌رو شوند. در این شرایط، کمک به فرزندان طلاق برای سازگاری با تغییرات زندگی و تقویت اعتمادبه‌نفس آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، استفاده از خوددلگرم‌سازی و تلقین خودتوانمندی است که می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند تا احساسات منفی را مدیریت کنند و به شکلی سالم با این تغییرات کنار بیایند. مشارکت‌کننده شماره ۵ به این موضوع اشاره کرد و گفت: «با شناسایی احساسات اولیه، بازنگری در اهداف، تقویت تاب‌آوری، و تمرکز بر ایجاد و تقویت احساسات مثبت و انگیزشی در فرد او قادر می‌شود تا در برابر چالش‌های پس از طلاق، توانایی مقابله داشته باشد».

ت) تقویت عزت‌نفس و خودپنداره مثبت: عزت‌نفس به معنای ارزیابی مثبت فرد از خود و احساس ارزشمندی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر رفتار، تصمیمات و روابط فردی داشته باشد. خودپنداره مثبت نیز به معنای دیدگاه مثبت و واقعی فرد از خودش است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر رضایت از زندگی و توانمندی در مقابله با مشکلات زندگی تأثیر بگذارد. مشارکت‌کننده شماره ۷ گفت: «با شناسایی و تغییر افکار منفی، تعیین اهداف قابل دسترس، مراقبت از خود، و پذیرش خود به‌عنوان فردی با تمام ویژگی‌ها و نقص‌ها، می‌توان عزت‌نفس را تقویت کرد».

### ۳- بسترسازی حمایت‌گری والدین در جهت تنظیم روابط با فرزندان

الف) حفظ و تقویت حس امنیت و تعلق فرزندان: یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان که در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت به آن اشاره شده است؛ نیاز به امنیت و تعلق است. اریک فروم<sup>۱</sup> (۱۹۴۱)، سائق امنیت‌جویی را یک سائق جهانی معرفی کرده است و می‌گوید: ناامنی رابطه تنگاتنگی با زندگی انسان و حتی موجودیت او دارد. اهمیت مادر برای کودک تنها در رفع نیازهای او خلاصه نمی‌شود بلکه همه احساس امنیت کودک وابسته به وجود مادر است (عطارد، ۱۳۸۵؛ به نقل از افشاری و نظرزاده، ۱۳۹۲). مشارکت‌کننده شماره ۶ در این رابطه گفت: «کودکان و نوجوانان برای اینکه زندگی حال و آینده خوبی داشته باشند باید احساس امنیت و اعتماد و حس تعلق داشتن را تجربه کنند. من در مشاوره با فرزندان طلاق سعی می‌کنم علی‌رغم جداشدن پدر و مادر از هم امنیت بچه‌ها حفظ شود و برای این منظور تکالیفی به والدین می‌دهم؛ مانند در دسترس بودن هردو برای فرزندان و...».

ب) کمک به ایجاد محیطی امن و حمایتی برای فرزندان: ایجاد یک محیط امن و حمایتی برای فرزندان پس از طلاق یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در فرایند کمک به آنها برای سازگاری با تغییرات و چالش‌های جدید است. طلاق والدین می‌تواند فشارهای روانی و احساسی زیادی بر روی کودکان و نوجوانان ایجاد کند و بنابراین داشتن یک فضای حمایتی و امن می‌تواند به آنها کمک کند تا احساس امنیت و آرامش بیشتری داشته باشند و توانایی

---

1. Eric Fromm

مقابله با این تغییرات را پیدا کنند. مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد: «بسیار ضروری است که والدین با ایجاد ثبات در زندگی روزمره، برقراری ارتباطات باز و محبت‌آمیز، حفظ روابط سالم هر دو والد با فرزند، به فرزند کمک کنند با این قضیه بهتر سازگاری پیدا کند».

**پ) عدم آسیب به نقش‌های پدر - مادری:** با پدیده طلاق، زوجین از نقش همسری خود خارج می‌شوند؛ اما نقش والدگری آن‌ها به پایان نمی‌رسد. والدینی که طلاق گرفته‌اند لازم است برای رشد و پرورش فرزندان خود رابطه مطلوبی با یکدیگر داشته باشند، آن‌ها باید همچنان به صورت مشترک در کنار یکدیگر برای تربیت فرزندانشان تلاش کنند و نقش پدر - مادری را برای فرزندشان ایفا کنند. حفظ ارتباط فرزندان با هر دو والد نیازمند همکاری و تعامل سازنده بین والدین است تا فرزندان بتوانند با هر دو نفر رابطه نزدیک و سالمی داشته باشند. مشارکت‌کننده ۱: «به والدین در جلسه خودشان می‌گویم بچه هم پدر می‌خواهد و هم مادر و این حق طبیعی اوست. با بچه‌ها هم صحبت می‌کنم که این‌ها درست است که از هم جدا می‌شوند ولی برای همیشه پدر مادر تو هستند و خواهند بود؛ مثل اعضای بدنت که همیشه مال تو هستند».

**ت) عدم نقش واسطه‌گری فرزندان پس از طلاق:** گاهی اوقات، در تلاش برای حفظ ارتباط بین والدین یا مدیریت اختلافات، فرزندان به طور غیرمستقیم به عنوان واسطه در مباحثات و مشکلات بین والدین قرار می‌گیرند. این نقش می‌تواند اثرهای منفی عاطفی و روانی بر آن‌ها بگذارد؛ زیرا فرزندان باید در موقعیت‌های پرتنش و پراسترس قرار بگیرند و از آن‌ها خواسته می‌شود که مسائل والدین را مدیریت کنند. مشارکت‌کننده شماره ۸ گفت: «باید فرزندان طلاق به خوبی مجاب شوند که در رابطه میان والدین دخالت نداشته باشند و این امر را به خودشان واگذار کنند. اینکه نقش واسطه بین آن‌ها را داشته باشند انرژی روانی زیادی از آن‌ها خواهد گرفت و مانع از انطباق با شرایط جدیدشان خواهد شد».

**ث) پیشگیری از ایجاد بدبینی از پدر - مادر:** ازدست‌دادن احترام نسبت به والدین و سرزنش آن‌ها از دیگر تأثیرات ناشی از طلاق والدین است (Vibisono & Napitopoulo, 2022) به نقل از صالح‌بیگی، حاتمی و فرحبخش، ۱۴۰۳). همچنین ایجاد و ابراز احساسات متعارض و منفی

به والد جدا شده از تأثیرات آسیب‌زای طلاق است. مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد: «گاه پدر یا مادری که فرزند پیش او می‌ماند پشت‌سر والد دیگر بدگویی کرده و فرزند نسبت به او بدبینی پیدا می‌کند. اینجا ضروری است با فرزندان صحبت شود و این نگاه منفی حذف شود. چراکه محروم شدن از محبت یکی والدین آسیب‌های فراوانی دارد».

#### ۴- جهت‌دهی ساختار مشاوران مبتنی بر نیازهای رشدی و امنیتی فرزندان

**الف) جلسات مشاوره در حین طلاق برای فرزندان:** در بازه زمانی که والدین مسیر طلاق و جدایی را طی می‌کنند، مشاوران با برقراری جلسات مشاوره با فرزندان می‌توانند کمک کنند آنها این اتفاق را با دشواری کمتری پشت‌سر بگذارند و آمادگی‌های لازم برای روبه‌رو شدن با این قضیه را به‌تدریج در خود ایجاد کنند. مشارکت‌کننده شماره ۵ در این زمینه بیان کرد: «من در مشاوره‌های پیش از طلاقم همیشه به والدینی که فرزندان کودک و نوجوان دارند گوشزد می‌کنم که فرزندان خود را برای جلسات مشاوره بیاورند تا بچه‌ها با دشواری کمتر و با آمادگی لازم از این دوره عبور کنند».

**ب مشاوره فردی با تک‌تک فرزندان:** مشاوره فردی با فرزندان هنگام طلاق والدین یکی از مراحل حساس و مهم در فرایند جداسدن والدین است که به فرزند کمک می‌کند تا احساسات خود را درک کرده و با تغییرات ایجاد شده در زندگی‌اش بهتر کنار بیاید. مشارکت‌کننده ۱ گفت: «فرزندان ممکن است با تغییرات زیادی روبه‌رو شوند؛ از جمله جابجایی محل زندگی، تغییر در روابط با یکی از والدین، یا تغییرات در روابط خانوادگی. مشاوره فردی می‌تواند به فرزند کمک کند تا با این تغییرات سازگار شود».

**پ) جلسات مشاوره به‌صورت جمعی با حضور تمام فرزندان:** جلسات مشاوره به‌صورت جمعی برای فرزندان طلاق، یک روش مؤثر در حمایت از کودکان و نوجوانان در دوران پس از طلاق والدین است. در این نوع جلسات فرزندان می‌توانند تجربیات عاطفی خود را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر حمایت کنند.

**ت) توجه به دوره رشدی هر یک از فرزندان:** توجه به دوره رشدی هر یک از فرزندان در مشاوره طلاق یکی از جنبه‌های بسیار مهم و حساس است. هر کودک یا نوجوان در سنین مختلف با طلاق والدین به شیوه‌ای متفاوت مواجه می‌شود و نیازهای روان‌شناختی

و عاطفی آنها در هر دوره رشدی متفاوت است. به همین دلیل، مشاوران باید رویکردهای متناسب با سن و مرحله رشدی هر فرزند اتخاذ کنند تا بتوانند به درستی از آنها حمایت کنند و شرایط لازم برای انطباق‌پذیری مجدد این افراد را فراهم آورند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ اشاره کرد: «توجه به دوره رشدی هر فرزند در مشاوره طلاق بسیار حیاتی است؛ زیرا نیازها، احساسات و واکنش‌های هر کودک و نوجوان در برابر طلاق بسته به سن و مرحله رشدی آنها متفاوت از یکدیگر است».

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی نقش مشاوران در انطباق‌پذیری مجدد فرزندان طلاق برحسب تجربه زیسته مشاوران طلاق صورت گرفت. در این پژوهش چهار مضمون اصلی و هجده مضمون فرعی به دست آمد.

اولین مضمون اصلی «آگاهی و پذیرش طلاق والدین» شامل پذیرش جد شدن والدین، آگاهی از جدایی قطعی و همیشگی والدین، واقع‌بینی در علت طلاق و عمومی کردن مسئله طلاق است. نتایج پژوهش با یافته‌های بازرگان دهقانی چم‌پیری و رئیس‌سی (۱۴۰۰) همسو است که نشان دادند با مشارکت مادر یا کودکان در مداخله طلاق می‌توان در جهت بهبود تاب‌آوری کودکان طلاق اقدام کرد.

دومین مضمون اصلی «پرورش خودمدیریتی آگاهانه در فرزندان» شامل آموزش مهارت‌های مدیریت افکار و سازگاری به فرزندان است که به آنها کمک می‌کند تا بتوانند با چالش‌ها، مشکلات، فشارهای روانی و تغییرات زندگی به‌طور مؤثر و سازنده‌ای کنار بیایند. این مهارت‌ها به رشد عاطفی، روانی و اجتماعی کودک کمک کرده و او را برای مواجهه با دشواری‌ها و ناملايمات زندگی آماده می‌کند. نتایج پژوهش با یافته‌های صالح‌بیگی و همکاران (۱۴۰۳) همسو است که در پژوهش خود تاب‌آوری را به‌عنوان ویژگی بارز فرزندان سازگار با طلاق والدین مورد تأکید قرار داده است. همچنین با یافته‌های پژوهش اسمعیلی، طاهری چمعالی، قاسمی نیائی و حقانی زمیادانی (۱۴۰۱) همسو بود که نشان داد نوجوانانی که دید مثبت‌تر و تعابیر منطقی‌تری از جوانب مثبت و

منفی این رویداد داشتند با سوگ ناشی از طلاق والدین بهتر کنار آمدند. سومین مضمون اصلی «حمایت از والدین برای مدیریت رابطه با فرزند پس از طلاق» شامل همکاری والدین در زمینه رشد و تربیت فرزندان بعد از جدایی و کمک به آنها برای انطباق با طلاق است. محیط خانواده قبل و بعد از طلاق والدین به‌عنوان عامل مهمی در سازگاری فرزندان در نظر گرفته شده است (صالح‌بیگی و دیگران، ۱۴۰۲). نتایج پژوهش با یافته‌های کووا<sup>۱</sup>، فاین و زوو (۲۰۲۲)، همسو است که نشان دادند مشارکت و تعامل والدین برای تربیت فرزند در سازگاری آنها با طلاق والدینشان، تأثیرات مطلوبی داشت و تعارضات والدینی و عدم همکاری والدین بعد از طلاق در سازگاری و رشد فرزندان تأثیرات نامطلوبی داشت و رفتار اجتماعی و نوع‌دوستی را در فرزندان کاهش و تعارض با همسالان را افزایش داد.

چهارمین مضمون اصلی «جهت‌دهی ساختار مشاوران مبتنی بر نیازهای رشدی و امنیتی فرزندان» در فرایند طلاق والدین، ارائه خدمات مشاوره‌ای به‌صورت فردی و گروهی، با درنظرگیری شرایط سنی و رشدی فرزندان، نقش مهمی در سازگاری مجدد فرزندان طلاق دارد. پژوهش عبدی، نظری و پورابراهیم (۱۳۹۲) در زمینه تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق (CODIP) بر میزان سازگاری آنان، نشان می‌دهد که برنامه مداخلاتی در افزایش ابراز احساسات کودکان و نگرش مثبت آنها نسبت به طلاق والدینشان، بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالانشان و افزایش کاربرد مهارت‌های حل مسئله مؤثر بوده است که با پژوهش حاضر همسو است. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت اطلاع و آگاهی فرزندان از تصمیم جدایی والدین یک امر ضروری است. والدین و مشاوران در امر طلاق والدین باید با فرزندان کاملاً صادق باشند و شرایط را به‌صورت کلی برای آنها توضیح دهند. ایجاد یک واقع‌بینی در خصوص طلاق و خارج ساختن آن از یک مشکل خصوصی به سمت یک مسئله عمومی، یکی از ضرورت‌های مشاوره با فرزندان طلاق است.

دوره کودکی و نوجوانی یکی از دوره‌های حساس رشدی به‌شمار می‌آید. بسیاری از

روانشناسان معتقد هستند که شکل‌گیری پایه‌های شخصیت در سنین کودکی رخ می‌دهد. همچنین نوجوانی را یک دوره حساس رشدی قلمداد می‌کنند که عبور سالم از آن نیازمند توجهات ویژه است؛ بنابراین در هر دوره سنی نیازهای خاصی به مشاوره جهت سازگاری با طلاق والدین وجود دارد. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که مشاوره با فرد کودک متمایز از مشاوره با فرد نوجوان است. با پدیده طلاق، زوجین از نقش همسری خود خارج می‌شوند؛ اما نقش والدگری آن‌ها به پایان نمی‌رسد. والدینی که طلاق گرفته‌اند لازم است برای رشد و پرورش فرزندان خود رابطه مطلوبی با یکدیگر داشته باشند. به نظر می‌رسد احترام و همکاری متقابل والدین بعد از طلاق در جهت منافع فرزندان، موجب شود که آن‌ها احساس طردشدگی کمتری را تجربه کنند و عزت‌نفس و احساس ارزشمندی بیشتری داشته باشند که این امر در بهبود کیفیت رابطه فرزندان با والدینشان و سازگاری آن‌ها، کاهش مشکلات رفتاری، مدیریت هیجانات و کنارآمدن با سبک جدید زندگی خود اثرگذار است. ارتباط دوستانه و مطلوب فرزندان با والدین بعد از جدایی، در تجربه هیجانات مثبت فرزندان مؤثر است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این مسئله اشاره کرد که مشاوران طلاق که تحت نظارت سازمان بهزیستی و دادگستری فعالیت می‌کردند به دلیل حساسیت‌های سازمانی به‌سختی در مصاحبه حاضر می‌شدند. از محدودیت‌های قابل‌ذکر دیگر می‌توان تعمیم‌پذیری را بیان نمود که باتوجه به انجام پژوهش در جامعه آماری استان همدان، تعمیم نتایج مستلزم رعایت احتیاط است. باوجود این این پژوهش می‌تواند زمینه پژوهش‌های دیگر جهت دستیابی اطلاعات کامل‌تر در حوزه نیازها و ضرورت ارائه خدمات مشاوره به فرزندان طلاق را فراهم سازد.

#### تعارض منافع:

یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

#### قدردانی:

از کلیه مشاوران استان همدان که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

## منابع

- افشاری، منصوره و نظرزاده، فریده (۱۳۹۲). «عزت نفس، احساس امنیت و احساس تعلق در نوجوانان دارای مادران شاغل و خانه‌دار». *کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان*.  
<https://sid.ir/paper/825057/fa>
- اسمعیلی، معصومه؛ طاهری چمعالی، جیران؛ قاسمی نیائی، فاطمه؛ حقانی زمیدانی، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱ (۴): ۹۹-۱۰۶.
- امانی، رزیتا؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی‌زاده، مریم و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۰ (۱): ۱۵-۲۶.
- [http://cpap.shahed.ac.ir/article\\_2658.html](http://cpap.shahed.ac.ir/article_2658.html)
- امانی، زکیه؛ زهراکار، کیانوش و کیامنش، علیرضا (۱۳۹۸). «شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی». *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۴ (۴۷): ۵۹-۸۱.
- ایمانی، سعید؛ خان‌زاده، فیروز و ذاکری، مرتضی (۱۴۰۱). «فرزندان طلاق، پیامدها و راهکارهای مداخله و کاهش آسیب»، *دومین همایش ملی روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان*، اردبیل.
- <https://civilica.com/doc/1579108>
- بازرگان، مائده؛ دهقانی چم‌پیری، اکرم و رئیسی، زهره (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی برنامه آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادر و برنامه مداخله ویژه کودکان طلاق بر تاب‌آوری کودکان طلاق. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت*، ۷ (۴): ۷۱-۸۶.
- بلالی، طیبه؛ اعتمادی، عذرا و فاتحی‌زاده، مریم‌السادات (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عوامل روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۳ (۱۱): ۲۹-۵۳.
- <https://doi.org/10.22054/qccpc.2011.5900>
- حامد، محبوبه و نکائی، محمدسعید (۱۳۹۹). «تجربه زیسته فرزندان طلاق در شهر تهران». *رفاه اجتماعی*، ۲۰ (۷۶): ۱۶۷-۲۰۶.
- خدادادی سنگده، جواد؛ کلائی، اعظم و گوهری‌پور، مرتضی (۱۳۹۹). «تدوین الگوی

- مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم: مبتنی بر بافت فرهنگی». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۱۱(۴۱)، ۲۷-۶۰.
- SID. <https://sid.ir/paper/214032/fa>
- زمانی زارچی، محمدصادق؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ اژه‌ای، جواد؛ حسین‌زاده اسکویی، علی و صمدی کاشان، سحر (۱۳۹۷). *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۲(۱): ۲۴-۳۶. [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_8617.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_8617.html)
- سلاق، عزیز و خدامیان آرانی، علیرضا (۱۴۰۲)، بررسی نقش و تأثیرات خانواده در شکل‌گیری شخصیت و تربیت صحیح فرزندان، *سومین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روان‌شناسی و علوم اجتماعی*، همدان.
- <https://civilica.com/doc/1951285>
- شیخله (۱۴۰۰). *واکاوی مشکلات روانی - تربیتی فرزندان، طلاق از منظر والدین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سنندج: دانشگاه پیام‌نور.
- صالح‌بیگی، زهره، حاتمی و رزانه، ابوالفضل و فرح‌بخش، کیومرث (۱۴۰۳). «شناسایی نقش والدین در سازگاری دختران جوان با طلاق». *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۹(۶۶)، ۳۳-۵۱.
- عبدی، محمدرضا؛ پورابراهیم، تقی و نظری، علی‌محمد (۱۳۹۲). «تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان». *خانواده‌پژوهی* ۹(۳): ۳۴۳-۳۵۱.
- فروم، اریک (۱۴۰۳). *گریز از آزادی*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: نشر مروارید.
- کاویان، مینا؛ خجسته کاشانی، امیر و تهامی، الهام (۱۳۹۵). «کمک‌های اولیه روان‌شناختی برای کودکان طلاق: یک مطالعه مروری». *رویش روان‌شناسی*، ۵(۳): ۱۸۵-۲۰۲.
- کجباف، محمدباقر؛ عریضی سامانی، سیدحمیدرضا؛ امیری، شعله و کهنوجی، رخساره (۱۳۹۰). «اثر بخشی خانواده‌درمانی شناختی - رفتاری بر مشکلات رفتاری کودکان خانواده‌های در معرض طلاق». *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، ۳(۴): ۱-۸.
- <https://sid.ir/paper/208746/fa>.
- ناموران گرمی، کبری؛ مرادی، علیرضا؛ فرزاد، ولی‌اله و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۶). «تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی». *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹(۳)، ۱۸۲-۱۹۴.

یحیی‌زاده، حسین و حامد، محبوبه. (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، ۹۱-۱۲۰.

SID. <https://sid.ir/paper/238454/fa>

- Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N. (2022). The Divorce Process and Child Adaptation Trajectory Typology (DPCATT) Model: The Shaping Role of Predivorce and Postdivorce Interparental Conflict. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 1-29. <https://doi.org/10.1007/s10567-022-00379-3>
- Fagan, P.F., & Churchill, A. (2012). The effect of divorce on children. *Marriage and religion research*, 12
- Haimi M, Lerner A (2016). The Impact of Parental Separation and Divorce on the Health Status of Children, and the Ways to Improve it. *J Clin Med Genomics* 4: 137. doi:10.4172/2472-128X.1000137.
- Hetherington, E. M. (2003). Adjustment in young adults from divorced families. *Journal of Family Psychology*, 17(1), 49-63.
- Lansford, J. E., et al. (2006). The impact of parental divorce on children's development. *Journal of Family Psychology*, 20(3), 390-399.
- Neuman, M. Gary & Romanowsk, P. (2006.a) "Helping your kids cope with divorce the sandcastles way" volume 1. Translated by Forod, F. published by SaberIn
- Parker, G., Durante, K. M., Hill, S. E., & Haselton, M. G. (2022). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, 43, 300-306.
- Sumari, M., R. Subramaniam, S. D., & Md Khalid, N. (2020). Coping with parental divorce: A study of adolescents in a collectivist culture of Malaysia. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(3), 186-205. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1679595>
- Tullius, J. M., De Kroon, M. L., Almansa, J., & Reijneveld, S. A. (2022). Adolescents' mental health problems increase after parental divorce, not before, and persist until adulthood: a longitudinal TRAILS study. *European child & adolescent psychiatry*, 31(6), 969-978. <https://doi.org/10.1007/s00787-020-01715-0>
- Wibisono, N. B., & Napitupulu, S. S. (2022). The Moderating Role of Timespan since Parental Divorce on the Relationship between Self Compassion and Anxiety. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*. 6(3), 145-152. <https://www.rsisinternational.org/virtual-library/papers/the-moderating-role-of-timespan-since-parental-divorce-on-the-relationship-between-self-compassion-and-anxiety/>